

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

ژانویه - مه ۲۰۱۳ شماره ۴۲

nhkommittehamahangi@gmail.com
<http://nahadha.blogspot.com/>
boltanxaberi@gmail.com
<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>
<http://iran-worker.blogspot.de/>



Workers of the world, Unite!

کارگران جهان متحد شوید!

اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهادها است.

نهادهای همبستگی، در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.

تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است. تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست. تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست. جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

بولتن اخبار کارگری

شماره ۴۲ ژانویه - مه ۲۰۱۳

اول ماه مه را با همبستگی گسترده طبقاتی هرچه با شکوهتر برگزار نمائیم

۳

اول ماه مه روز تعطیلی رسمی است

برگزاری مراسم اول مه حق مسلم ماست

پیش بسوی ایجاد سازمانها، تشکلهای و نهادهای کارگری

جلسه عمومی به مناسبت ماه مه

۶

با استحکام اتحاد طبقاتی به استقبال روز جهانی زن برویم

۷

سیاستهای امپریالیستی را افشا نمائیم

در رابطه با اجلاس اولاف پالمه، بروکسل و پراگ

۹

طبقه کارگرمتشکل این جنایت را بی پاسخ نخواهد گذاشت (در سالروز کشتار کارگران خاتون آباد)

۱۰

آزادی کارگران زندانی فوری و بدون قید و شرط

۱۲

به کمپنها و کارزارهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی بپیوندید

۱۶

منصور اسانلو در خدمت سرمایه

۱۷

کمپنها و کارزارهای دفاع از آزادی کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی بیوقفه ادامه دارد

۲۰



اول ماه مه را با همبستگی گسترده طبقاتی هر چه با شکوهتر برگزار نمائیم!

اول ماه مه در سرتاسر جهان، یادآور سنت مبارزه علیه سرمایه داری جهانی، یادآوری مقاومت و ایستادگی کارگران برای کسب حداقل ترین و بدیهی ترین حقوق انسانی شان می باشد.

روز جهانی کارگر و همه ی روزهای دیگر که طبقه کارگر برای بقایش چاره ای جز جدال طبقاتی ندارد، نشانه ی از خون و جان و عمر و هستی این طبقه است؛ کارگران تولید کنندگان تمامی ثروت ها و نعمت ها و رفاه در جامعه ی بشری هستند و با کار خود حیات جامعه ی انسانی را تضمین میکنند، اما خود هیچ بهره ای از این نعمات و ثروت ها نمیبرند.

طبقه کارگر ایران برای به دست آوردن مطالبات خود و براندازی نظام انگل وار سرمایه داری نیک میدانند که نه تنها در روز جهانی کارگر بلکه هر روز باید بیش از پیش با اعتراض گسترده و با سازماندهی مبارزاتی به سوی ایجاد تشکل های طبقاتی خود قدم بردارد.

در شرایط بحرانی جامعه ایران، بدون طبقه کارگر و بسیج کارگران، سخن از آزادی و رهایی از زیر سلطه یک رژیم مستبد و سرکوبگر، از سنخ جمهوری اسلامی نمی‌تواند در میان باشد. مسایل و منافع طبقه کارگر ایران در واقع بیان خواست‌های نان و آزادی برای آحاد مردم ایران است و هر تحول و دگرگونی در این زمینه، ناگزیر و تاریخاً منوط به مبارزه این طبقه است. مبارزات جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش زنان، دانشجویی و جوانان در پیوند با جنبش کارگری است که می‌تواند به حقانیت خود دست یافته و به خواسته‌های برحق خود نائل شوند. درست به این دلیل است که جناح‌های مختلف بورژوازی در داخل و خارج می‌کوشند کارگران را از ایفای وظایف تاریخی خود منحرف ساخته، آن‌ها را به عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف خویش که چیزی جز حفظ نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی نیست، مورد استفاده قرار دهند.

در این شرایط رژیم سرمایه ایران بار سنگین بحران و تورم را بر گرده کارگران و زحمتکشان انداخته، و آنها را به "کار مضاعف" نیز دعوت میکنند! کارگرانی که دیگر نای کار کردن در ساعات متمادی و کارهای اضافه بر شغل خود را ندارند و با اینهمه کار و زحمت از پس خرج بخور و نمیر خانواده‌شان بر نمی‌آیند.

سرمایه‌داری اسلامی، با تعرض مستقیم به هستی اکثریت عظیم جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان، با ایجاد فشارهای اقتصادی، تورم و گرانی سرسام‌آور، و با تعیین بی‌شرمانه حداقل دستمزدها به میزان زیر خط فقر که بگفته خود حامیان این حکومت ضد کارگری بیش از شصت درصد از طبقه کارگر را شامل میشود، زندگی و هستی بخش وسیعی از کارگران را در معرض خطر و نابودی قرار داده است. هر چند اعتراض بخشی از کارگران به ویژه کارگران سندیکای شرکت واحد در جلو سازمان کار و امور اجتماعی در اعتراض به افزایش دستمزدها که هنوز زیر خط فقر و یا در واقع می‌توان گفت نزدیک خط مرگ می‌باشد نه تنها هشدار به دولت و حامیان سرمایه بود، در ضمن این پیام را به‌مراه داشت که کارگران برای احقاق حقوق خود باید به نیروی طبقاتی خود اتکاء داشته باشند.

از طرف دیگر بحرانهای اقتصادی-سیاسی بین‌المللی جمهوری اسلامی که با تحریم‌های اقتصادی کشورهای امپریالیستی به اوج خود رسیده است، مشخصاً کارگران و طبقات فرودست را آماج عارضه‌های ناشی از این بحرانها قرار داده و هزینه جدال‌های رژیم‌های سرمایه‌داری و رقابت‌های ضد بشریشان را آنان باید پرداخت نمایند، همه این موارد در کنار شرایط وخیم عمومی طبقه کارگری طی سال‌های اخیر یعنی دستمزدهای به شدت زیر خط فقر، اخراج و بیکار سازی گسترده کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزد میلیون‌ها کارگر، تحمیل قرار دادهای موقت و سفید امضاء و حاکم کردن شرکت‌های پیمانکاری بر سرنوشت کارگران و بازداشت و زندانی کردن آنان تا سرکوب تشکل‌ها و اعتراضات کارگری و همه و همه عملاً خیل عظیم کارگران را در موقعیتی قرار می‌دهد که بیش از هر زمان دیگری باید ضرورت متشکل شدن در تشکل‌های توده‌ای و طبقاتی‌اشان را دریابند.

نزدیک شدن اول ماه مه و مسئله انتخابات دولتی وحشتی در دل حامیان سرمایه انداخته است، و تنها راه چاره را مثل همیشه در موج جدیدی از بگیر و ببندهای فعالین کارگری جستجو نموده و بهمین دلیل بسیاری از کارگران تحت پیگرد قرار گرفته‌اند و یا در زندان به سر می‌پرند. همزمان با آزادی رییس دانا، رضا شهبابی، عضو سندیکای شرکت واحد که جهت معالجه در مرخصی بود، با تمدید نشدن

مرخصی اش به زندان بازگشت. در ادامه همبستگی طبقاتی با رضا شهابی تعداد زیادی از فعالین کارگری و اعضای سندیکای شرکت واحد به همراه خانواده هایشان، سرود خوانان با آرزوی آزادی اش، او را بدرقه کردند.

با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده نیز موافقت نشده است و هنگامی که وی برای تمدید مرخصی مراجعه کرده به وی ابلاغ شده که غیبت هم دارد و باید هر چه زودتر خود را به زندان معرفی کند. در همین حال با مرخصی محمد جراحی که تحت پرتو درمانی قرار دارد هم موافقت نشده است. و هنوز هم شاهرخ زمانی و دهها کارگر دیگر در شرایط بشدت غیر انسانی در زندانها بسر می برند. تعدادی از کارگران کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری که به جرم شرکت در مراسم هشت مارس دستگیر شده بودند هنوز در زندان بسر میبرند. هر چند مبارزه و همبستگی مردم سنندج همراه با خانواده این کارگران دستگیر شده در جلو دادگاه انقلاب اسلامی و زندان چشمگیر و قابل تحسین است و لרزه بر تن جانین و مزدوران جمهوری اسلامی انداخته است، اما هنوز از آزاد شدن سه نفر از این کارگران مبارز خبری نیست.

این فشار به کارگران و پیشروان زندانی این طبقه در زندان ها نه تنها در رزم راسخ آنها بر علیه نظام سرمایه خلی ایجاد نخواهد نمود، بلکه این استقامت و ایستادگی را در عقاید شان محکم و استوار نموده که برای حقوق از دست رفته خود و همطبقه ایهایشان باید وارد کارزار جدی تری شوند.

امروز باز هم کارگران هستند که می توانند در مقابل تهدید ها و سرکوبهای خونین سدی نیرومند ایجاد کنند. مقتدر ترین نیروهای سرکوبگر نظامی نیز در مقابل اراده متحد طبقه ای که چرخ تولید را با اعتصابات سراسری خود می خواباند ناتوان خواهند ماند.

رهایی طبقه کارگر امر خود طبقه کارگر و فقط بدست خود طبقه ممکن است. اگر کارگران منفعتی در جدال طبقات حاکم دارند، این نه در حمایت از این یا آن جنبش غیر کارگری، بلکه در این است که طبقه کارگر نیرومند تر، متشکل تر و آماده تر برای به دست گرفتن امور جامعه از دل این تحولات بیرون بیایند. این باید هدف طبقه کارگر در اوضاع سیاسی ایران باشد. و این مهم را جلوی پای طبقه کارگر ایران می گذارد، که در اول ماه مه امسال همراه با همبستگی طبقاتی در متحقق شدن این اهداف نهایت تلاش و مبارزه را بنماید.

زنده باد اول ماه مه!

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران جهان

مرگ بر نظام سرمایه جمهوری اسلامی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج کشور

اردیبهشت ۱۳۹۲ / مه ۲۰۱۳

اول ماه مه

روز جهانی کارگران گرامی باد!

اول ماه مه روز تعطیلی رسمی است و

برگزاری مراسم اول ماه مه بدون دخالت دولت و نیروهای نظامی حق مسلم ما!

پیش بسوی ایجاد سازمانها، تشکلهای و نهادهای کارگری!

شنبه ۴ مه ۲۰۱۳

ساعت ۱۹,۰۰ بوقت اروپای مرکزی

پیام، خبر، گزارش، شعر، موزیک و...

پالتاک، ایران، اول ماه مه ۲۰۱۳

Paltalk / Asia and Pacific - Iran

Avale Mahe May 201۳

با استحکام اتحاد طبقاتی

به استقبال روز جهانی زن برویم !

۸ مارس (روز جهانی زن) امسال در حالی فرا می رسد که نظام سرمایه داری در سطح جهان همچنان با یکی از بحران های کم نظیر اقتصادی خود بسر می برد. بحران جاری در مناطق زیادی از جهان به بحران های سیاسی عمیقی تا حد تغییر دولت ها و انتخابات بعد از انتخابات انجامیده است. سرمایه داری از طریق ارگانهای جهانی اش همچون صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، بانک مرکزی اروپا، سازمان تجارت جهانی و سازمان نظامی ناتو و دولت های محلی در هر کشور بار بحران خود را بر دوش کارگران، مزدبگیران انداخته است. بیکاری، فقر و نابسامانی اجتماعی بر جامعه سایه افکنده است و بیشترین قربانی های خود را کودکان و زنان تشکیل می دهند.

سیاست های سرمایه داری حاکم بر جهان (نئولیبرالی و خصوصی سازیها) از سه دهه گذشته تاکنون فقر و فحشا، اعتیاد و بیکاری و انواع بیماریها را به پدیده ای وسیعاً رایج در جهان تبدیل کرده است. در این میان زنان کارگر و زحمتکش در چهارگوشه ای جهان به اشکال مختلف قربانی سیاست های سود جویانه و جنگ طلبانه سرمایه دارانی هستند که تنها به سود دهی بیشتر می اندیشند. زنان کارگر و زحمتکش نه تنها همپای مردان هم طبقه ای های خود مورد ستم و استثمار قرار میگیرند، از ستم جنسی نیز به علت تسلط سیستم ارتجاعی مرد سالارانه سرمایه داری رنج می برند. سرمایه داری که نظام اقتصادی اقلیتی از جامعه است از طریق ابزارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نابرابری جنسی را دامن زده و به اشکال مختلف باز تولید می کند. هم از طریق بکارگیری نیروی کار ارزان زنان کارگر و کودکان کار بیشترین سود آوری را بدست می آورد و هم با این روش بیشترین شکاف و تفرقه را در میان صفوف کارگران ایجاد می کند. طراحان، کارشناسان و نماینده گان رنگارنگ سرمایه داری واقفند که، در میان چالش های موجود، طبقه کارگر متحد تنها نیرویی است که قادر خواهد بود جامعه بشری را به نفع اکثریت آحاد متحول کند و تمامی نابرابریهای موجود از جمله نابرابری جنسی و ستم بر زنان را ریشه کن کند.

در کشورهای صنعتی با سیستم سیاسی دموکراسی سرمایه داری، قوانین مدنی در مورد زنان و مردان ظاهراً برابر است. در واقع اما زنان از دستمزد و حقوق اقتصادی برابر با مردان برخوردار نیستند و آمار بالایی از انواع خشونت و بویژه خشونت های خانگی در مورد آنان اعمال می شود. کاهش خدمات اجتماعی و اعمال سیاست های ریاضتی از سوی نظام سرمایه داری بیشترین فشار را خصوصاً بر زنان کارگر و زنانی که نگهداری فرزندان را بر عهده دارند تحمیل شده است. تجارت انواع تن فروشی زنان را در معرض انواع آسیب های روانی و جسمانی قرار داده است.

در کشورهای پیرامونی که شرایط استثمار و برده گی بمراتب وحشتناکتر است، زنان در معرض انواع آسیب های ناشی از نظام مردسالار سرمایه داری بسر می برند. تمام قوانین قرون وسطایی و پیشاسرمایه داری را نظام حاکم بخدمت گرفته است تا از حفظ سود آوری بیشتر به قیمت استثمار کارگران و مزدبگیران و خصوصاً زنان کارگر پاسداری کند. با دیکتاتوری عریان سیاسی، نظامی و مذهبی توقعات برحق جامعه سرکوب شده و زنان را در صف مقدم قربانیان نظام بسر می برند. انواع خشونت بر زنان چه در محیط کار و چه در محیط زندگی روزانه باز تولید می شود و بیشترین فجایع غیر انسانی در مورد زنان بکار گرفته می شود. بی جهت نیست که با بروز طغیان های اجتماعی و نیز عروج جنبش های توده ای بر علیه نظام حاکم و رژیم های دیکتاتوری دست نشانده آن در کشورهای پیرامونی زنان در صف مقدم مبارزات قرار می گیرند. جنبش های توده ای کشورهای عربی در دو سه سال اخیر حضور چشمگیر زنان را در آن نشان داد.

در ایران حاکمیت ارتجاع اسلامی، با نهادینه نمودن قوانین پوسیده ضد زن، بیشترین تبعیض جنسی و طبقاتی بر آنان را اعمال نموده و از نظر اجتماعی- سیاسی آنها را در موقعیت درجه دوم قرار داده است. باز گرداندن زنان به کنج خانه و محروم ساختن آنها از اشتغال، وابسته کردن هر چه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، خشونت و سرکوب روز افزون بر آنها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، مرد سالاری و نابرابری فزاینده ای را بر زندگی زنان حاکم نموده است. فرودستی و تبعیض و نابرابری، فقدان تامین اجتماعی و سرکوب و خشونت بر زنان که ریشه در نظام سرمایه داری دارد، شرایط دشواری را برای زنان در ایران، تحت سلطه یک حکومت ارتجاعی مذهبی و در ابعاد گسترده ای ایجاد نموده است. اعتراض و مبارزه هر روزه زنان در ایران علیه این همه نابرابری و بربریت جمهوری اسلامی در طول بیشتر از سه دهه به اشکال مختلف در جریان بوده و خواهد بود.

رفع ستم جنسی و تبعیض بر زنان در چهارگوشه جهان، چه آنجا که قوانین دموکراسی سرمایه حاکم است و چه در کشورهایی که دیکتاتوری های عریان نظامی، مذهبی حافظ قوانین سرمایه هستند بجز از مسيرمبارزه علیه سیاست های سرمایه داری و متحد شدن هر چه بیشتر طبقه کارگر مقدور نخواهد گردید. مسئله زن در جهان، خاورمیانه و در کشورهایی مانند ایران، در همه ابعاد آن، در روند حل نهانی خود، با مبارزه بر علیه سرمایه داری گره خورده است. بطور کلی مبارزات زنان برای رفع ستم جنسی، ماهیتی کاملا ضد سرمایه داری دارد و در پیوندی گسست ناپذیر با مبارزات کارگران و زحمتکشان است و بدون لغو مالکیت خصوصی، ماهیت زن به عنوان یک کالا نیز از بین نخواهد رفت.

نقش جنبش زنان بعنوان جنبشی بسیار مهم در اعتراضات ضد سرمایه داری و ضد سیاست های نئولیبرالیستی، بیش از پیش به این ضرورت مهر تایید می زند که مبارزه برای رفع ستم جنسی در پیوندی ناگسستنی با مبارزه برای رفع ستم طبقاتی قرار دارد و حضور زنان در صحنه مبارزه طبقاتی به تعمیق مبارزات زنان می انجامد. تجربه ثابت کرده است که میزان موفقیت و رشد جنبشهای اجتماعی به میزان شرکت زنان در آن جنبش رابطه مستقیم داشته و پیروزیهای حاصل بدون شرکت زنان امکان پذیر نخواهد بود. امروز مسئله رهایی زنان بنا به ضرورت طبقاتی این وظیفه را جلوی پای فعالین سوسیالیستی جنبش کارگری و جنبش زنان می گذارد که یکی از راههای مهم خاتمه دادن به پراکندگی زنان و بویژه زنان کارگر در امر مبارزاتیشان و نزدیک شدنشان بدرجه ای به استراتژی موجودشان درگرو ایجاد تشکلهایشان است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

مارس ۲۰۱۳



اطلاعیه

سیاستهای امپریالیستی را افشاء نماییم!

(در رابطه با اجلاس اولاف پالمه، بروکسل و پراگ)

عرصه ادامه حیات بر جمهوری اسلامی به دلیل بحرانهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که با آن دست بگریبان است، هر روز تنگ تر شده، و برون رفت از آن، دایما رژیم سرمایه اسلامی ایران را با استیصال و بن بست مواجه می نماید. سرکوب و اختناق، بحرانهای اقتصادی روزافزون، فقر و فلاکت، گرانی و بیکاری و حمله به سطح معیشت طبقه کارگر و توده های زحمتکش، جامعه را آستان حوادث و تغییر و تحولات نموده است. ادامه این اوضاع نابسامان و نابرابر، زمینه را برای خیزش های توده ای میلیونی فراهم می نماید. ممانعت از چنین تغییرات و حرکت های انقلابی از پایین، امپریالیستها و مزدوران دست نشانده داخلی اشان را به وحشت انداخته، در تکاپو هستند تا از طریق جابجاییهایی از بالا و جایگزین نمودن تعدادی مهره های جدید، سیستم بورژوازی و حاکمیت سرمایه را حفظ نمایند.

منتها است جناح راست در صحنه سیاسی اپوزیسیون خارج کشور به جنبش و جوش افتاده و در اجلاسی های سازمان داده شده چندی از جمله اولاف پالمه، بروکسل و اخیراً پراگ گرد هم آمده اند. ترکیب این تجمعات را افراد و سازمانهای طیف راست از جمله سوسیال دموکراتها، لیبرالها، اصلاح طلبان، ناسیونالیست های قومی و سلطنت طلبان ولابی های اولترا راستی تشکیل می دهند که سالها است کارنامه وابستگیشان به امپریالیستها بر همگان روشن است. استراتژی و چشم اندازی که شرکت کننده گان در این اجلاس برای خود تعریف نموده اند، دقیقاً بدون پرده پوشی در خدمت به حفظ منافع بورژوازی ایران میباشد و هدفشان بافتن جایی در صحنه سیاست ایران است که شاید بتواند آن آلترناتیوی شکل گیرد که طبق ادعایشان بدون هیچ خشونت و خونریزی از طریق "تغییر رژیم" قدرت را بدست بگیرند و دمکراسی را به ارمان بیاورند. دمکراسی، که نه حتی پیام آور، رعایت حقوق بشر، رفع تبعیض، برابری زنان با مردان، انتخابات واقعا آزاد، و از این قبیل، ایده آل های همگانی و مشترک، بلکه دمکراسی مورد قبول و خواست دولت های امپریالیستی و سرمایه پسند، چون افغانستان، عراق، لیبی و در بهترین ورژن مصر امروزی است.

امپریالیستها برای اجرای نقشه های شوم خود به اشکال مختلف ظاهر میشوند. لازم نیست حتما بصورت علنی و با لشکرکشی به میدان بیایند. این سلطه می تواند به شکل غیر مستقیم و از طریق جریانات وابسته و لابی گیری ریز و درشت به امپریالیستها اعمال شود. ایران از شمار کشورهایی است که طی دهه های اخیر مبارزات اجتماعی و خصوصا اعتراضات کارگری بطور مستمر در آن تداوم داشته است. از این رو مبارزه طبقه کارگر ایران، به وضعیت سیاسی و اجتماعی منطقه و ویژگی می بخشد و به تناسب توان و حرکت خویش اوضاع و شرایط را برای نظام سرمایه داری و حکومت های پاسدار آن، در پیوستگی با سرمایه داری امپریالیستی با بی ثباتی و نا امنی روبرو میسازد. بر همین مبنا است که امپریالیستها سیاستهای ارتجاعی خود را در منطقه، از طریق تاکید بر مولفه هایی چون استحاله، اصلاح و جایگزینی این حکومتها برای تطبیق با استراتژی ای که دارند دنبال می نمایند. در واقع می توان گفت: این تغییرات اساساً، در چارچوب تامین منافع سرمایه و استراتژی امپریالیستی تحت عنوان حرکت بسوی "پیشبرد اتحاد برای دمکراسی" صورت می گیرد، که هدف و اساس کار خود را مهار جنبشهای انقلابی و رادیکال کارگری قرار میدهد.

تمام ماهیت این حرکت های ارتجاعی بر این مبنا است که بر نقش طبقه کارگر بعنوان اصلی ترین نیروی ضد سرمایه داری خط بطلان بکشند و با طرح نقشه های شوم جلو برآمد انقلابی توده های کارگر و زحمتکش را گرفته و آن را سرکوب نمایند. باید بخاطر آورد؛ این حرکت های شدت راست، ضد کارگری و امپریالیستی بار اول نیست که بر علیه جنبش کارگری و پیشروی مبارزات آنان عمل می کند. همین چند سال گذشته بود که طرح مرکز همبستگی آمریکایی (لیبر سولدا ریتی) از طریق دلالات و عوامل خود فروخته خارجی و داخلی که هیچ ربطی به جنبش کارگری نداشتند این ماموریت را یافتند که با رخنه و نفوذ در جنبش کارگری، این جنبش را به فساد بکشانند. این خطر گر چه با هشپاری گرایش انقلابی جنبش کارگری و فعالان آن بموقع افشاء شد اما هنوز خطر بطور جدی رفع نشده است. امپریالیستها بعد از ناموفق شدن یک طرح و شکست آن، در پی نقش آفرینی طرحهای دیگری می افتند. آنها هیچوقت با خود فروختگان و مزدوران داخلی که در اجرای سیاستهای ضد کارگری و ضد انسانی شان در هر شرایطی اعلام آمادگی نمایند با کمبود روبرو نخواهند بود.

بر عهده تمامی فعالان جنبش کارگری در داخل و خارج کشور هست که هوشیارانه تمامی موانع و توطئه های سر راه مبارزه طبقه کارگر و منافعش را از جمله اجلاس های امپریالیستی جاری را بموقع افشاء نموده و بر تقویت و همبستگی طبقاتی کارگران در مبارزه علیه سرمایه داری پا فشاری کنند.

۲۳ دی ماه ۱۳۹۱ - ۱۲ ژانویه ۲۰۱۳

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

طبقه کارگر متشکل این جنایت را بی پاسخ نخواهد گذاشت!

(در سالروز کشتار کارگران خاتون آباد)

روز شنبه چهارم بهمن ماه ۱۳۸۲ (۲۴ ژانویه ۲۰۰۴) رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی تظاهرات آرام کارگران مجتمع "ذوب مس" خاتون آباد از توابع شهرک بابک (کرمان) را توسط گارد ویژه ضد شورش به گلوله بست. در آن روز کارگران این شرکت و خانواده هایشان که نگران آینده خود بودند در مقابل فرمانداری این شهر دست به اعتراض و سپس اعتصاب بر علیه سیاست اخراج سازی کارفرما زدند. آنان از طرف مقامات فرمانداری شهر مورد تهدید قرار گرفتند. آنان با حمل پلاکاردهایی که بر روی آنان نوشته شده بود؛ "خط فقر ۳۰۰ هزار تومان، خط بقا ۱۰۰ هزار تومان" در شهر دست به راهپیمایی گسترده ای زدند و حتی جاده های منتهی به شهر را مسدود کردند. آنان فریب وعده و وعید فرمانداری را نخوردند و حيله "خانه کارگر" را که خواهان متفرق شدن کارگران بودند و قصد داشتند از حضور کارگران قرار دادی در محل کار جلوگیری نماید دفع کردند. گرد هم آمده و خواستار استخدام دائمی بخشی از همکاران خود بودند، که با گلوله های سرمایه رو برو شدند. با گسترش خبر کشته و زخمی شدن کارگران، دامنه اعتراضات کارگری به سراسر شهر بابک کشیده شد و نیروهای سرکوبگر رژیم که تا دندان مسلح بودند، شهر را محاصره نموده و از زمین و هوا کارگران معترض را به گلوله بستند. در این حمله وحشیانه رژیم، تعداد زیادی از کارگران و مردم زحمتکش به قتل رسیده و یا زخمی شدند که در این میان چهار تن از کارگران به اسامی مؤمنی، مهدوی، ریاحی و جاویدی و یک دانش آموز به نام پور امینی جزو کشته شدگان اعلام گردید. در پی این درگیری نابرابر تعداد بسیاری از مردم شهر دستگیر و توسط مزدوران سرمایه به مناطق نامعلومی منتقل شدند.

به گلوله بستن کارگران یکی از وجه مشترک دو رژیم سرمایه داری شاه و جمهوری اسلامی در خفه کردن اعتراضات کارگری در ایران است. در سال پنجاه نیز صف اعتراضی کارگران جهان چیت کرج توسط مزدوران مسلح رژیم شاه در محل "کاروانسروا سنگی" با گلوله پاسخ داده شده بود که طی آن تعدادی از کارگران کشته و زخمی شدند.

در چند سال اخیر در راستای سیاستهای جدید جهانی سرمایه، در ایران نیز استثمار و بی حقوقی مطلق کارگران شدت بی سابقه ای بخود گرفته است. اخراج و بیکار سازی و قراردادهای سفید امضاء، کاهش دستمزد و بالا کشیدن حقوق معوقه، لغو ابتدایی ترین بیمه های اجتماعی کارگری، تحمیل قوانین ضد کارگری در باز گذاشتن دست کارفرماها، سرکوب و اختناق، بحرانهای اقتصادی روزافزون، فقر و فلاکت و گرانی، حمله به سطح معیشت طبقه کارگر و توده های زحمتکش و ... بیش از پیش زندگی کارگران را به ورطه نابودی کشانده است در چنین شرایطی کارگران چاره ای جز مبارزه بر علیه اینهمه نابرابری را ندارند.

جمهوری اسلامی برای بقاء ننگین خود هر اعتراضی را با سرکوب و زندان و شکنجه پاسخ داده است. زندان های رژیم جمهوری اسلامی به شکنجه گاه و قتلگاه کارگران آگاه و زحمتکشان مبارز و انسانهای آزادیخواه تبدیل شده است. دهها کارگر مبارز و انقلابی فقط بجرم

خواسته های اولیه از قبیل؛ مبارزه برای افزایش دستمزد، علیه بیکار سازی ها و حق تشکل و اعتصاب در زندان بسر می برنند و یا به حکم های بلند مدت محکوم شده اند. سران رژیم جنایتکار و ضد کارگری جمهوری اسلامی که هر روزه با امواج خروشان مردم به جان آمده و به خصوص طبقه کارگر ایران روبروست، بار دیگر نشان داد آنجا که نتواند با حقه و نیرنگ فریاد اعتراض را خاموش کند، چهره خون آشام و واقعی خود را نمایان ساخته و همانطور که دیده شد وقیحانه کارگران را به گلوله می بندد. کارگران ایران هرگز چهره ی فریبکار اصلاح طلبان را به عنوان دولت وقت فراموش نخواهند کرد، دولتی که با به تصویب رساندن و اجرای سیاست های ضدکارگری، مسبب اصلی کشتار کارگران و زحمتکشان شهر بابک است. دولت خاتمی که همچون رهبران و مقامات جنایتکار تاکنونی رژیم، در همان روزهای نخست به مردم قول داد که هرچه زودتر هیاتی برای بررسی عاملان کشتار راهی استان کرمان خواهد نمود، اما به جای آن با گسیل گارد ویژه کمکی که متشکل از کماندوهای ضد شورش بودند، عملاً شهرک بابک را به یک پادگان نظامی بدل نمود.

بدیهی است که اینگونه حملات وحشیانه به کارگران فقط مختص به حاکمان سرمایه در ایران نیست. بورژوازی هر جا منفعتش به خطر بیافتد به روی کارگران آتش می کشاید و آنان را به رگبار می بندد، یا زندانی و شکنجه می نماید. در امرداد ماه امسال بود که کارگران زحمتکش معدن طلای سفید در آفریقای جنوبی برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. اما مزدوران آدم کش سرمایه پاسخ آنان را با سلاح گرم دادند، به روی آنان آتش گشودند و حدود چهل تن از کارگران بی دفاع را به قتل رساندند. بورژوازی چه در حد کشوری و چه جهانی یک منفعت مشترک را دنبال می نماید استثمار وحشیانه برای سوددهی بیشتر. هر زمان که کارگران بر علیه این منفعت کثیف دست به اعتراض و اعتصاب بزنند به شدیدترین شکل مورد تهاجم و کشتار قرار می گیرند. اما طبقه کارگر برای خاتمه دادن به این اوضاع اسفناک چاره ای جز متشکل شدن ندارد. باید تاکید نمود، همانطور که دشمن قسم خورده طبقه ی کارگر، هر اعتراضی را با قهر پاسخ می دهد، در نهایت راهی جز قهر طبقاتی برای کارگران و زحمتکشان نمی گذارد.

کشتار وحشیانه کارگران ستم دیده کرمان، نه اولین و نه آخرین جنایت رژیم علیه کارگران است. طبقه کارگر ایران این جنایت را هرگز فراموش نخواهد کرد و به همین جهت، مناسب است تا روز چهارم بهمن روز جانباختگان جنبش کارگری یاد کارگران جانباخته خاتون آباد و دیگر کارگران جانباختگان از جمله یاد کارگران جان باخته آفریقای جنوبی نیز گرامی داشته شود و نفرت از این اعمال ضد کارگری را به یک مبارزه متحد و همبستگی طبقاتی جهانی برای نابودی نظم سرمایه داری و دولت هایش تبدیل نمود.

یاد کارگران جانباخته خاتون آباد و کلیه جانباختگان جنبش کارگری گرامی باد!

**آزادی تمامی کارگران و فعالین کارگری فوری و بدون قید و شرط!
سرنگونی رژیم اسلامی و تحقق نان و آزادی از طریق طبقه کارگر متشکل میسر است!**

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

[/http://nahadha.blogspot.com](http://nahadha.blogspot.com)

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

۲۶ دسامبر ۲۰۱۲

آزادی کارگران زندانی

فوری و بدون قید و شرط

در آستانه روز جهانی زن، وفا قادری، خالد حسینی، حامد محمود نژاد، بهزاد فرج اللهی، علی آزاد و شریف ساعد پناه از فعالین کارگری درسندج دستگیر شدند و تعداد دیگر زیادی به عناوین مختلف مورد تهدید قرار گرفتند. خانواده های دستگیر شده گان در طی چند روز گذشته در مقابل اداره اطلاعات تجمع کرده و خواستار آزادی بستگانشان شده اند. کارگران و گروگانگیری آنها در حالی که همچنان تعدادی از فعالین کارگری از جمله شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدram نصراللهی و... در زندان بسر میبرند فقط می تواند یک علت داشته باشد. رژیم جمهوری اسلامی سرمایه از هر گونه تجمع کارگری سخت هراسان است. اکنون کشتی سرمایه در ایران به گل نشسته است و از داخل و خارج از ایران از سران رژیم اسلامی تا دولت های امپریالیستی به اشکال مختلف در تلاشند تا از نیروی مستقل کارگران و تشکل های مستقل کارگری جلوگیری کنند. دستگیری های گسترده فعالین کارگری توسط رژیم تلاشی جهت دور نگهداشتن توده کارگر از دخالت در امور زندگی خود میباشد. هدف رژیم اسلامی حفظ سرمایه به بهای سرکوب و به زندان انداختن کارگران، تحمیل بیکاری، اعتیاد، تن فروشی و دستمزدهای نازل است. در مقابل این ماشین سرکوب، کارگران فقط با تکیه به نیروی خود و هم طبقه ای هایشان در سراسر جهان می توانند از منافعیشان دفاع کنند. تمامی انسانهای شریف و آزیخواه، فعالین و تشکل های مدافع طبقه کارگر ضروری است با نیروی همبستگی طبقاتی فعالیت خود را برای آزادی کارگران و فعالین کارگری گسترش دهند. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور برای آزادی فوری و بی قید شرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی و برای دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر از هیچگونه تلاشی کوتاهی نخواهند کرد.

کارگر زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط آزاد باید گردد!

یازده مارس 2013

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommitttehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط

کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.
رژیم سرمایه داری
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و
شروط و وثیقه های سنگینی
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وادار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی واداشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هر شکل و با هر توانی که دارند
کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و پیوندند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپینهای آزادی کارگران زندانی
و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت
کنید و خواست آزادی کارگران را هر
چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کفن نظم موجود اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>



<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy?feature=BF>

آزادی کارگران زندانی فوراً و بدون قید و شرط!

به کمپنها و کارزارهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی بپیوندید!

رژیم سرمایه داری اسلامی ایران با سرکوبگری فزاینده، با وجود زندانی کردن طولانی مدت تعدادی از فعالین کارگری، باردیگر در آستانه هشت مارس امسال نیز با شیخونی لجام گسیخته به منازل فعالین کارگری در شهر سنج حمله ور شده و تعدادی از فعالین را به بهانه عضویت در کمیته هم‌هنگی دستگیر و زندانی میکنند. رژیم برای ایجاد رعب و وحشت انداختن کارگران در آستانه اول ماه مه ۲۰۱۳ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲)، مانند همیشه دست به بازداشت های بدون دلیل کارگران و فعالین کارگری زده است تا آنان را، از پیشروی و تدارکات اولیه این روز جهانی بازدارند.

براین پایه رژیم سرمایه داری اسلامی ایران هر روز بساط تازه ای راه می اندازد. رضا شهبانی، فعال کارگری و خزانه دار مالی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که جهت معالجه در مرخصی بوده را، قبل از اتمام معالجه و مرخصی اش باردیگر زندانی میکند. در همین حال با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده نیز موافقت نکرده است و باید وی هر چه زودتر خود را به زندان معرفی نماید. این در حالی است که فرزندش نیما در بیمارستان محک، همچنان تحت معالجه شیمی درمانی است و تهیه ی داروهای وی معضل بزرگی برای خانواده ی ایشان شده است و بیم آن می رود با بازگشت بهنام به زندان، روند معالجات نیما دچار اختلال شود. همچنین زندانبانان رژیم با مرخصی محمد جراحی که تحت معالجه شیمی درمانی قرار دارد موافقت نکرده اند و همچنان در زندان مرکزی تبریز زندانی است. رژیم ضد کارگران اسلامی سرمایه، همچنین شاهرخ زمانی از کمیته پیگیری، پدram نصرالهی از فعالین کارگری را به اتهام تبلیغ علیه نظام و عضویت در کمیته هم‌هنگی و شورای زنان در شعبه يك بیدادگاه انقلاب، به محاکمه کشانده و تا به امروز به دفعات از او خواسته اند تا از عضویت «کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری» استعفاء دهند یا کشور را ترک کنند. جدا از این، تنی چند از دستگیر شدگان هشت مارس امسال حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری به اتهام عضویت در کمیته هم‌هنگی و فعالیت های کارگری در سنج دستگیر و برای آخرین دفاعیات در شعبه ۵ بازرسی بیدادگاه سنج حاضر شدند و تعدادی از دستگیر شدگان با قرار وثیقه های چند ده میلیون تومانی آزاد گشتند. رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه این تعرضات به سطح معیشت و دستمزدها کارگران، همچنان بر دامنه سرکوب و پیگرد فعالین کارگری و هم طبقه ای های ما در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲) و فضای انتصابات پیشروی خواهد افزود. همین اوضاع ما را بر آن می دارد که نگرانی عمیق خود را از وضعیت ناگوار زندانبانان کارگرو سلامت جانی و جسمی یکایک آنان اعلام داریم.

نهادهای همبستگی همچنانکه سالها بی وقفه برای خواست آزادی و یاری رساندن به کارگران زندانی به برگزاری کمپنها و کارزارهای سراسری پرداخته است، تا آزادی کامل تمامی کارگران زندانی و همه زندانبانان سیاسی از فعالیت و مبارزه دست بر نخواهد داشت و کمپنها و کارزارها برای آزادی کارگران زندانی را ادامه خواهد داد. نهادهای همبستگی، همگان را فرامیخواند که به هر شکل که میتوانند به اعتراضات و کارزارهای جهانی برای آزادی کارگران زندانی در ایران پیوسته و همه کارگران، دوستداران، هواداران جنبش کارگری، نیروها و انسان های آزادی خواه را فرامیخواند که به هر شکل و توانی که دارند برای آزادی کارگران زندانی بکوشند و قویا دستگیری و حشبانه و تداوم بازداشت و در زندان نگهداشتن فعالین کارگری را محکوم کنند. حکومت جمهوری اسلامی باید فوراً و بدون قید و شرط و دریافت هیچ وثیقه ای، همه کارگران زندانی را آزاد نماید.

به طوریکه آنچه و متحد، اعتراضات خود را به اعمال ضد کارگری رژیم اعلام کرده و آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران و فعالین جنبش کارگری و دیگر فعالین مبارز اجتماعی از زندان های جمهوری اسلامی را خواستار شویم.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، مسئولیت هرگونه خطری که جان زندانبانان کارگر را تهدید کند، تماماً به عهده رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران میدانند و بی جواب نخواهد گذاشت.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

۲۸ فروردین ۱۳۹۲ - ۱۷ آوریل ۲۰۱۳

منصور اسانلو در خدمت سرمایه

هر دم از این باغ بری می‌رسد

تاره تراز تازه تری می‌رسد

اینچنین است شرحی از زندگی صنفی - سیاسی آقای اسانلو، آنهم از منظری منفی. زمانیکه خبر اخراج اسانلو از ریاست هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پخش گردید، شاهد واکنشهای گوناگونی بوده‌ایم. بسیاری از تشکلات، فعالین کارگری و مدافعان جنبش کارگری بدرستی به دفاع از اطلاعیه هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد پرداختند. این دفاع از دو سو درست و بجا بود. یکم اینکه به خرد جمعی هیئت مدیره و تشکل تکیه داشت و دوم اینکه برخی لغزشهای سیاسی آقای اسانلو در گذشته، تعمقی دوباره را بخصوص در ارتباط با اقدامات جدید ایشان لازم میکرد. کسانی نیز به جانبداری از اسانلو و حمله و ناسزاگویی به هیئت مدیره سندیکا پرداختند. اینان بر دو گروه بودند. یکم کسانی که از آنچه رویداده بود، هیچگونه آگاهی نداشتند و تنها با تکیه به مبارزات صنفی آقای اسانلو و مقاومت وی در زندان وزیر شکنجه، یا نمی توانستند و یا نمیخواستند بپذیرند که از او خطاهای بزرگی سرزند. دوم کسانی بودند و هستند که پشت کردن اسانلو به منافع و خواستهای طبقه کارگر را موهبتی میدانند. اسانلو به آرزو و برنامه های گروه آخرین لبیک گفت اسانلو هم اکنون در خدمت به یکی از هارترین جناحهای مدافع سرمایه جهانی درآمده است و با دریافت یک تکه نان قندی از این جناح بعنوان نماینده و سازمانده کارگری آن جمع، قصد دارد جنبش کارگری ایران را به زیر پرچم این بخش از مدافعان سرمایه داری جهانی بکشانند. البته با علنی شدن موضع واقعی آقای اسانلو و ایزوله شدن ایشان، بعد از گذشت چند هفته ای به اصطلاح تکذیبیه ای نوشته است، ایشان سعی میکنند به همین سادگی، میخواهد با این تکذیبیه جایگاه از دست رفته اش را در جنبش کارگری بدست بیاورد تا از آن برای مقاصد خود سواستفاده کند. این تلاش مذبحانه اسانلو و فرمان دهندگان کنونی اش هر چند که برخی مشکلات را برای جنبش کارگری ایران به پیش خواهد آورد ولیکن مسلم است که با درایت، هشیاری و ادامه مبارزه آشتی ناپذیر تشکلات مستقل کارگری ایران و فعالین و مدافعان واقعی کارگری، قادر به کشانیدن جنبش کارگری به زیر پرچم سرمایه نخواهند شد. مگر سیاستهای ارتجاعی و ضدکارگری گردانندگان جمهوری اسلامی باتمامی دم و دستگاههایشان چون خانه کارگر و شوراهای اسلامی قادر به انحراف کشانیدن جنبش کارگری و خفه کردن صدای اعتراضی کارگران شده اند که امروزه دار و دسته ای دیگر از مدافعین سرمایه، بتوانند جنبش کارگری را به زائده سرمایه داری تبدیل سازند؟ جنبش کارگری، برآمد زندگی و شرایط کار کارگران و استثمار سرمایه داری است. این جنبش تابع فرمان این یا آن رهبر کاذب خودشیفته نخواهد بود که باخواست او تغییر جهت دهد و از مبارز ضد سرمایه داری به مدافع سیستم سرمایه داری تبدیل شود. تنها بهنگام بوجود آمدن

تغییرات و بهبود نسبی در زندگی معیشتی و شرایط کاری کارگران، چنین رهبران کاذبی احتمالاً قادر خواهند شد، جنبش کارگری را درآشتی گذرا یا نسبتاً طولانی با منافع سرمایه درآورند. در برخی از کشورهای سرمایه داری غرب اینچنین اوضاع را شاهدیم. لیکن چنین شرایطی در ایران حاکم نیست و کارگران و فعالین کارگری ایران به گفتار دروغین همکاران امروزی آقای اسانلو اعتمادی ندارند که وی بتواند آرزوی کارگزاران امروزی خود را برآورد کند.

آیا پیوستن اسانلو به جبهه سرمایه داری تعجب آوراست؟ این پشت کردن به منافع جنبش کارگری و در پیوزگی از سرمایه داران تأسف آوراست ولیکن امری تعجب آور و برای اولین بار نیست و آخرین بار نیز نخواهد بود. در جامعه طبقاتی، مبارزه ای دائمی بصورت گه آرام و گه خشونت آمیز بین طبقات متخاصم در جریان است. در این میان اندک نخواهند بود کسانی که یا در پی فریب قولهای سرمایه داران یا بعثت منافع شخصی در جهت تغییر موضع برآیند. یک بررسی کوتاه از گذشته مبارزاتی آقای اسانلو دلالت بر این دارد که وی را از جمله فریب خوردگان نمیتوان دانست. ارتباط شک برانگیز و طولانی اسانلو با شخصی شناخته شده بنام مهدی کوهستانی، دفاع خجولانه از دریافت کمکهای مالی مشکوک و دعوت کارگران به شرکت در انتخابات سابق ریاست جمهوری در ایران، موارد قابل تعمقی هستند که نشان از اتخاذ مواضع ضدکارگری دارند. اتخاذ چنین مواضعی ریشه در نوعی تفکر فرمیستی و ضدانقلابی دارند که در صورت عدم علت یابی و تصحیح انقلابی و بموقع، زمینه مساعدی برای کج رویهای دیگری حتی خیانت به منافع طبقه کارگر را میتواند در پی داشته باشند. ما، نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور در تمامی زمانی که اسانلو به دفاع از منافع صنفی کارگران شرکت واحد و ضرورت تشکل مستقل کارگری می پرداخت و در تمامی مدتی که در زندان جمهوری اسلامی در بند بود به دفاع از وی پرداختیم، زیرا برای آن مبارزات ارزش قائل بودیم و مقاومت و حقوق انسانی و صنفی- سیاسی وی قابل احترام و دفاع بود. اشاره علنی به نکات ضعف اسانلو و پافشاری علل شکافی آنها در آن زمان بصورت علنی، مشکل گشا و حائز اهمیت درجه اول نبودند. جنبه غالب در آن زمان نکات مثبت در زندگی صنفی اسانلو بود. امروز با اسانلویی دیگر برخورد داریم. حتی اگر همدستی امروزی اسانلو با سایر مدافعین سرمایه جهانی پیش نیامده بود، تنها نگاهی به دو گزارشی که اسانلو درباره سندیکای شرکت واحد تهیه و از جمله در صفحه اینترنتی خود درج کرده است کافی بود که پی برده شود، اسانلویی امروزی، دیگر آن مبارز صنفی یک تشکل مستقل کارگری نیست. در این دوسند، اسانلو از خود قهرمانی میسازد که دیگر فعالین و اعضای ترس زده شده و حتی رمیده از مبارزه را همواره به جلوسوق میداده است. او در آن گزارشات، انسانی خود شیفته است که میخواهد و میباید همه چیز بنا بر اراده او رقم خورد. این چنین خودشیفتگی و دیگران را ناچیز قلمداد کردن شایسته یک رهبر کارگری نیست. رهبر کارگری بایستی فروتن، همدم و یاری رسان کارگران باشد. بسیار بوده اند چنین خودشیفته گانی که زمانی در خدمت به جنبش کارگری بودند و لیکن در پیچراههای مبارزه طبقاتی، به کجراه و دامان سرمایه داری غلطیده اند و منافع شخصی را

بر منافع طبقه کارگران رجحیت داده اند. در طول تاریخ فعالینی را میتوان دید که زمانی در خدمت به جنبش سیاسی طبقه کارگر و یکی از رهبران بزرگ جنبش کارگری بودند، چنان در منجلاب سرمایه غوطه ور شدند که هنوز پس از گذشت سالها بعنوان نمونه های منفی مورد تنفر کارگران مبارز در جهان میباشد و نامشان در نزد مدافعان طبقه کارگر به بد نامی یاد میشود. آقای اساتلو مسلما با تمام خود شیفتگی میداند که وی در قیاس با خیلی از فعالین، از ارزشی بمراتب کمتر برای سرمایه داری برخوردار است و نان قندی امروزی مدافعان سرمایه بمعنای مقام و قدرت در آینده نیست، همانگونه که نصیب فعالین خود شیفته بیش از تکه ای نان قندی نمیشود. اساتلو اولین گامها را در خدمت به سرمایه جهانی در همدستی با یاران جدیدش برداشته است.

هنوز میتوان با برخوردی انتقادی و انقلابی از خود از غرق شدن کامل در منجلاب سرمایه و سرمایه داران، جلوگیری کرد. آقای اساتلو خود باید به اندیشه بنشیند. فردا خیلی دیر میباشد. سندیکای کارگران شرکت واحد چون همیشه از پشتیبانی کامل نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور برخوردار خواهند بود.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

مارس ۲۰۱۳

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

جهت اطلاع

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه و کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا عدم توافق خود را با این اطلاعیه اعلام کرده و جز نهادهای امضا کننده اطلاعیه مربوطه نیستند.

**برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
بپیوندید!**

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هواداران و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینهای پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، آکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست.